**Journal of Law and Public Order**
**Vol. 1, No. 3, Winter 2026 (59-73)**

فصلنامه علمی
حقـــوق و نظم عمـــومی

# The Feasibility of Government Civil Liability for Compensating Indirect Damages Arising from the Wrongful Acts of Third Parties

Soheil Ravaghi Ardabili[1] NejadAli Almasi[*2] Seyyed Mahdi MirDadashi[3]

**Received:** 2026/05/17 **Accepted:** 2026/07/21

**Abstract**:

**Introduction:** Compensation for damages suffered by injured persons or their surviving dependents has recently emerged as an important instrument for promoting public welfare within the framework of governmental responsibilities. Although, as a general principle, the Government is not legally liable for damages resulting from the wrongful acts of third parties, the obligations imposed upon the State under the Constitution raise an important legal question: can the Government, on the basis of civil liability principles, be required to compensate material and moral damages sustained by third parties as a consequence of accidents and harmful events, particularly occupational accidents? If so, what governmental financial resources may legitimately be allocated to finance such compensation?

**Methods:** This study was conducted using a descriptive-analytical method based on library research and documentary sources.

**Results:** The findings demonstrate that the adverse consequences of injuries sustained by victims, and consequently by their surviving dependents, particularly in light of statistical evidence from comparative jurisdictions, justify the necessity of comprehensive compensation under the principles of civil liability. Such compensation should encompass both material and moral damages together with subsequent welfare support, including educational expenses, healthcare and medical services, recreational assistance, marriage support, housing rent, home acquisition, and other essential social benefits. Considering the country's substantial financial resources, allocating only a limited portion of such resources to this purpose would not impose a significant financial burden on the Government.

**Conclusion:** The study concludes that, in view of the constitutional obligations imposed upon the Government to ensure public welfare, it is necessary to enact specific legislation establishing an "**Indirect Damage Compensation Fund.**" Such a fund, founded upon the principle of distributive justice and financed through public resources, would provide an appropriate legal mechanism for compensating indirect damages. Moreover, by alleviating the social and economic consequences of uncompensated losses, it would contribute to improving public welfare and reducing the risk of potential criminal behaviour arising from the adverse effects of such damages on affected individuals.

**Keywords:** Causation; Indirect Damages; Government Civil Liability; Distributive Justice; Indirect Damage Compensation Fund.

**10.82928/pld.2026.1236663**

**How to cite this article** Ravaghi Ardabili S; Almasi, N.; MirDadashi; S.M. (2026). The Feasibility of Government Civil Liability for Compensating Indirect Damages Arising from the Wrongful Acts of Third Parties. *Law and Public Order*, 1(3), 59-73. (In Persian).

[1]Department of law, Qo.C. , Islamic Azad University, Qom, Iran.
[2]Department of Private law, SR.C. , Islamic Azad University, Tehran, Iran.. *(Corresponding Author).
prof.nejadalialmasi@gmail.com
[3]Department of law, Qo.C. , Islamic Azad University, Qom, Iran.

حقوق و نظم عمومی
دوره ۱، پیاپی ۳، زمستان ۱۴۰۴ (۷۳-۵۹)

# امکان‌سنجی مسئولیت مدنی دولت در جبران «خسارات غیرمستقیم» ناشی از فعل غیر

سهیل رواقی اردبیلی[۱] نجادعلی الماسی*[۲] سیدمهدی میرداداشی[۳]

**تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۳۰**

**چکیده:**

**مقدمه:** طرح موضوع مقاله، در راستای افزایش رفاه عمومی با محوریت جبران خسارات برای اشخاص زیان‌دیده یا بازماندگان آنان به عنوان یکی از اقدامات نوظهور حاکمیت و دولت می‌باشد. هر چند دولت در جبران خسارات شناسایی شده به توسط فعل غیر، علی‌الاصول نمی‌تواند دخیل باشد ولی به سبب مسئولیت تاکید شده در قانون اساسی، این سوال مطرح می‌شود که آیا می‌توان دولت را از باب مسئولیت مدنی نسبت به جبران خسارات مادی یا معنوی وارد بر غیر، ناشی از بروز حوادث و اتفاقات پیش آمده بر افراد بالاخص حوادث ناشی از کار در جامعه ملزم نمود؟ و اگر پاسخ مثبت است پرداخت آن از کدام منابع مالی دولت میسر خواهد بود.

**روش:** این تحقیق با تکیه بر منابع کتابخانه‌ای و روش توصیفی–تحلیلی نگارش شده است.

**یافته‌ها:** تاثیرات منفی ناشی از آسیب وارده بر زیان‌دیده و بالتبع بازماندگان وی بالاخص با مطالعه آماری در دیگر کشورها، با استناد به قانون مسئولیت مدنی، لزوم جبران کلیه خسارات ناشی از ضرر اعم از مادی و معنوی و همچنین حمایت‌های پس از آن، منجمله تامین هزینه‌های تحصیلی و آموزشی، درمانی و بهداشتی، تفریحی، ازدواج، اجاره بها منزل، خرید مسکن و ... را بیش از پیش لازم و ضروری می‌نماید. با توجه به سرمایه‌های عظیم کشور و تخصیص بخش ناچیزی از آن به این امر، موضوع تامین و تحقق این منابع با مشکلی مواجه نخواهد شد.

**نتیجه‌گیری:** پس از بررسی به این نتیجه رسیده می‌شود با توجه به تکالیف نهاده شده بر عهده دولت در قانون اساسی مبنی بر تامین رفاه همگانی، ضمن لزوم تعریف و تصویب قوانین در راستای این امر، جبران خسارات با تاسیس صندوقی به نام «صندوق جبران خسارات ناشی از ضرر غیرمستقیم» با استناد به عدالت توزیعی و تامین اعتبار در جهت ارتقاء رفاه عمومی بر مبنای پیشگیری از بروز بزه‌های احتمالی ناشی از تاثیر این خسارات بر افراد تاثیر گرفته، بیش از پیش لازم و ضروری می‌نماید.

**واژه‌های کلیدی:** سببیت، صندوق جبران خسارت، ضرر غیرمستقیم، عدالت توزیعی، مسئولیت مدنی دولت.

10.82928/pld.2026.1236663

**استناد:** رواقی اردبیلی ، سهیل؛ الماسی، نجادعلی؛ میرداداشی، سیدمهدی (۱۴۰۴). امکان‌سنجی مسئولیت مدنی دولت در جبران «خسارات غیرمستقیم» ناشی از فعل غیر. *حقوق و نظم عمومی*، ۱(۳)، ۷۳–۵۹.

[۱] گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی،قم ، ایران.
[۲] گروه حقوق خصوصی، واحد علوم تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) prof.nejadalialmasi@gmail.com
[۳] گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی،قم ، ایران.

**مقدمه:**

ایده اولیه و نوآورانه این مقاله در راستای بررسی جبران خسارات ناشی از کاهش قدرت کار، از کارافتادگی یا فوت زیان‌دیده در حقوق ایران که پیشینه پژوهشی در آن، حداقل پس از بررسی‌های نویسندگان مشاهده نشد، زمانی متصور گردید که نویسندگان مقاله به دنبال پاسخ این سوال بودند که در فرض «عدم وجود رابطه بین عامل زیان و دولت، مسئول دانستن دولت در جبران خسارات غیرمستقیم ناشی از فعل غیر» را چگونه باید تحلیل نمود. شاید طرح این سوال کمی‌غیرمعمول بنظر برسد، ولی با نگاهی به قانون اساسی که در بخش‌های آتی بدان پرداخته خواهد شد می‌توان تا حدودی بدان پاسخ داد.

خسارات ناشی از کاهش قدرت کار، از کارافتادگی زیان‌دیده، فوت وی و آثار آن بر بازماندگان، بالاخص در روابط فی‌مابین کارفرما و کارگر یا دیگر موارد مشابه، از جمله مسائل چالش برانگیزی است که در حقوق ایران بدان پاسخ صریحی داده نشده است. این موضوع بالاخص در احکام صادره از مراجع قضایی به دلیل تنوع دیدگاه با اختلافاتی مواجه است. شاید علت اصلی این اختلاف را در نگرش به این موضوع دانست که آیا دیه، حداکثر جبران خسارت می‌باشد یا صرفا حداقلی است که در قوانین موضوعه بالاخص قانون مجازات اسلامی بدان توجه شده است. با فرض بروز خسارت بر زیان‌دیده بالاخص در روابط کارگر–کارفرما و عدم امکان اثبات قصور به استناد نظریه تقصیر و تضییع حقوق کارگر (متضرر) شاید بتوان از «نظریه تعهد ایمنی» که از حقوق فرانسه آغاز و در دیگر نظام‌های حقوقی چون آلمان و انگلستان نیز مورد استقبال قرار گرفت بهره برد. بنظر می‌رسد در این راستا می‌بایست نسبت به تغییر نگرش به وضعیت موضوع (خسارت‌دیده) توجه و تاکید گردد. زیرا آنچه محور اصلی تغییر شرایط واقع شده است وضعیت خسارت‌دیده است نه تاثیر ناشی از خسارت به فردی که خسارت را وارد نموده است.

عدم توجه نهادها و سازمان‌های مسئول در مقام وضع و یا ارتقاء آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌های صادره، متناسب با زمان و بروز حوادث ناگوار منجر به فوت یا خسارت بدنی، از باب بروز تقصیر و متعاقبا تاثیر آن بر افراد از جمله مواردی است که به دلیل تحقق تقصیر، دولت به عنوان متولی سازمان‌ها و نهادهای تحت تابعه خود مسئول جبران خسارت واقع می‌گردد. بروز اتفاقات ناشی از حوادث بالاخص در حوزه کار تحت شمول بیمه‌های تامین اجتماعی که منجر به فوت یا از کارافتادگی کارگران می‌گردد سبب محدودیت در هزینه‌های زندگی بالاخص برای بازماندگان و افراد تحت تکفل می‌گردد. آثار ناشی از فوت در مقام اولی و یا از کارافتادگی جسمی، علاوه بر تاثیرات اقتصادی، بر چهارچوب خانواده و تربیت فرزندان تاثیر گذاشته و ممکن است کانون خانواده را با چالش‌های جدی بالاخص در ازدواج زود هنگام دختران فرد متوفی یا از کارافتاده به جهت کاهش هزینه‌های زندگی مواجه نماید. آنچه در عرف و قانون بدان تاکید گردیده است نهایتا پرداخت دیه متناسب با وضعیت در قانون مجازات اسلامی بود. این در حالی است که در صورت عدم فوت یا عدم از کارافتادگی یا عدم آسیب جدی وارد شده به فرد آسیب دیده به واسطه حوادث ناشی از کار یا هر علت دیگر، هزینه‌های وی از آنچه به عنوان دیه اعم از فوت یا خسارت به وی تعلق می‌گیرد بیشتر خواهد بود. فلذا عدم توازن در آنچه به فرد خسارت‌دیده یا بازماندگان وی تعلق می‌گیرد با آنچه وی در قید حیات با شرط عدم خسارت مادی مواجه بوده باشد محور و پایه مسئولیت مدنی دولت می‌باشد. حوادث مشابهی چون انفجار معدن یورت آزادشهر در سال ۱۳۹۶ با ۴۳ نفر کشته و انفجار معدن زغال سنگ طبس در سال ۱۴۰۳ با ۵۲ نفر کشته مصداقی از این خسارات می‌باشند.

حاکمیت در مقام اعم و دولت در معنای اخص به دلیل محدودیت در بودجه‌های جاری و عمومی‌کشور و همچنین شرع مقدس در مقام تعیین دیه‌ها، عملا رغبتی به جبران خسارت مادی بیشتر از آنچه بدان تاکید شده است ندارد. اما با تغییر نگرش از زاویه اشخاص متضرر و خسارت‌دیده با رعایت انصاف ، می‌توان حاکمیت و دولت را به تغییر نگرش در جبران خسارات مادی مازاد، ملزم نمود. چرا که هدف حقوق عمومی تامین منافع عمومی می‌باشد. اهمیت این جمله اخیر زمانی بیش از پیش جلوه می‌نماید که تعداد افراد حادثه دیده که خیل کثیری را در خود جای داده و تبعات اجتماعی ناشی از عدم تمکین به این مقوله، بیشتر از هزینه‌های پرداختی ناشی از مازاد دیه بر بازماندگان متوفی و خانواده افراد خسارت‌دیده خواهد بود. در ادامه بدون ورود به ماهیت دیه و با فرض تحقق و تعلق خسارات مازاد دیه به زیان‌دیده و بازماندگان وی، صرفا به مسئولیت مدنی دولت و تامین منابع مالی در صورت پاسخ مثبت پرداخته می‌شود.

## ۱. ماهیت عنصر زیان در ضرر غیرمستقیم

آنچه بدان ضرر غیرمستقیم یا سببیت غیرمستقیم با محوریت اثر ناشی از خسارت چه بر شخص زیان‌دیده مستقیما و چه خانواده وی در قید حیات و یا بازماندگان وی تحمیل می‌شود حقوقی است که ممکن بود در فرض عدم بروز خسارت، وی می‌توانست نسبت به آنها دست یابد. این مفهوم نباید با آنچه در حقوق مدنی بدان «عدم‌النفع» گفته می‌شود خلط شود . زیرا عدم‌النفع آنست که اقتضای آن به وجود نیامده باشد. در حالیکه در این بحث، حقوق مکتسبه‌ای است که برای فرد، خانواده یا بازماندگان وی به وجود آمده است اما به دلیل شرایط حادث شده، این حقوق دچار تزلزل گردیده و صاحبان حق را با چالش روبرو نموده است. «شاید بتوان گفت در این موارد[۱] اصولا به احراز چنین رابطه‌ای هم نیاز نیست و مسئولیت دولت را باید یک مسئولیت محض تلقی کرد، اما در نگاهی دقیق‌تر می‌توان بروز چنین وقایعی را ناشی از کاستی‌های دولتی در تامین نظم و امنیت عمومی تلقی کرد و آن را در قالب ترک فعل یا نقص وسایل اداری تحلیل کرد.»(واعظی، ۱۴۰۲).

## ۲. منشاء ایجاد حق در جبران ضرر غیرمستقیم

با نگاهی به مواد یک، دو، پنج و شش قانون مدرن مسئولیت مدنی متوجه این موضوع می‌شویم که قانونگذار به تبعیت از قانون تعهدات سویس عملا حقوقی را برای زیان‌دیده اعم از مادی و معنوی مورد توجه قرار داده است. هر چند مقاومت‌هایی در تبصره دوم ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۲ نسبت به پیش‌نویس آن صورت گرفته است ولی با توجه به قواعد فقهی لاضرر، تسبیب و نفی عسر و حرج می‌توان برای جبران خسارات، منشا حقی را در نظر گرفت.گفته می‌شود «مسئولیت مدنی دولت، مبتنی بر تقصیر است. با این‌حال نباید چندان به شمول اصل مذکور اعتماد کرد، زیرا استثناها و قیود کثیری در نظر و عمل بر آن وارد می‌شود. از سویی، زیان‌هایی که در حوزه اثر اصل برابری شهروندان مقابل هزینه‌های عمومی و نیز حوزه اثر نظریه خطر قرار می‌گیرند اصولا بی‌نیاز از عنصر تقصیر و احراز آن هستند. جریان اجتماعی‌سازی جبران خسارت [۲] در راستای توسعه روزافزون حوزه مسئولیت بدون تقصیر دولت در برابر شهروندان است.»(واعظی، ۱۴۰۲). با آنچه عنوان شد، می‌توان منشاء ایجاد حق برای جبران ضرر غیرمستقیم را بایستی در قانون اساسی جستجو کرد.[۳]«در مواردی که افزایش بیکاری به دلیل اقداماتی باشد که در زمره اعمال حاکمیت دولت قرار می‌گیرد، می‌توان جبران الزامی خسارت را این‌گونه توجیه کرد که اولا توجه به تکلیفی که قانون اساسی برای دولت جهت اشتغال کامل افراد جامعه وضع کرده است، تمامی اقداماتی را که به بیکاری منجر می‌شوند را به نوعی در تعارض با اهداف قانون اساسی دانست و با توجه به مفهوم مخالف ماده مزبور، جبران خسارت را الزامی دانست»(علم‌خانی و همکاران، ۱۴۰۴)

## ۳. نظریه همبستگی

شاید این پرسش پیش آید که چگونه می‌توان دولت را بابت جبران خسارات غیر، مسئول دانست؟ در حالی که به موجب نظریه تقصیر باید بتوان، علاوه بر اثبات قصور دولت، رابطه سببیت بین عامل ضرر و زیان‌دیده را احراز نمود. در نظر برخی حقوقدانان، «مسئولیت مدنی دولت، مبتنی بر تقصیر به مثابه یک اصل عام و کلی می‌باشد.»(مولائی، ۱۳۹۹). در حالی‌که در موضوع مورد بحث، از لحاظ سطحی نمی‌توان به استناد نظریه تقصیر، پاسخ این سوال را پیدا کرد. «از نظریه‌های برجسته پیرامون مسئولیت مدنی بدون تقصیر دولت در بلایای طبیعی، نظریه همبستگی است. یافتن راهی برای توجیه مسئولیت مدنی دولت در مواردی که تقصیر ننموده باشد در واقع رجوع مجدد به فلسفه اندیشه سیاسی تلقی می‌شود. مطابق این نظریه، وقتی در اثر بلایای طبیعی، عده کثیری از اعضای جامعه نتوانند به کارکرد تخصصی خود، اقدام کنند همبستگی جامعه دچار اختلال شده و نیازهای افراد مصیبت‌دیده و دیگر اعضای جامعه برآورد نمی‌گردد و در این صورت سایر اعضا تکلیف پیدا می‌کنند که برای همبستگی اجتماعی گسیخته شده

---

[۱]–زیان‌های مربوط به نظم و امنیت عمومی به مانند تکلیف دولت در برابر قربانیان اقدام‌های تروریستی و جرایم سیاسی.

[۲]–به بخش‌های نه و ده مقاله تحت عناوین عدالت توزیعی و توزیع ضرر مراجعه شود.

[۳]به بخش شش مقاله مراجعه شود.

در قالب دولت–ملت به آنها کمک کنند. در واقع این تکلیف دولت است که برای حفظ همبستگی اجتماعی، حقوقی که در اثر عضویت در یک جامعه پیدا کرده‌اند و به هر علتی (مثل بلایای طبیعی) اکنون توانایی استفاده از آن را ندارند، برای آنها فراهم کند. دولت در اینجا در واقع به نمایندگی از جامعه به این وظیفه عمل می‌کند و عملکرد او را با امور خیریه و مساعدت، باید تفکیک و متمایز شود.» (ملکی‌زاده، ناصحی و پورسعید، ۱۴۰۳).

## ۴. بررسی ماهیت جبران‌پذیری

سوالی که باید بدان در حوزه حقوق خصوصی پاسخ داده شود این است که چه عوامل و داده‌هایی در جبران خسارات یا ضرر غیرمستقیم باید مد نظر قرار بگیرد؟ با وقوع حادثه برای متضرر یا خسارت‌دیده و از نگاه قانونگذار بالاخص در قانون مجازات اسلامی، وی صرفا مستحق کلیه هزینه‌های ناشی از وقوع ضرر تا میزان دیه می‌باشد.

در راستای جبران خسارات بدنی، با توجه به منابع تاریخی بنظر می‌رسد نظر واحدی در خصوص ماهیت دیه وجود ندارد. برخی معتقدند دیه عنوان مستقلی است که به مناسبت مورد، ممکن است به یکی از آن دو[۱]شبیه باشد.[۲]برخی دیگر معتقدند دیه هم جبران خسارت است و هم عامل بازدارنده و تفاوتی در میان اقسام جنایت نیست.[۳]گروهی دیگر قائل به تردید بوده و اظهار داشته‌اند که شاید هر دو وجه باشد.[۴]

در نظر حقوقدانان دیگر «اگر دیه مجازات محض باشد در صورت فوت جانی باید دیه ساقط شود و حال آنکه دیه ساقط نمی‌شود بلکه به مانند سایر دیون موجله، حال و از ترکه جانی خارج و به مجنی‌علیه یا اولیای او پرداخت می‌شود.بنظر می‌رسد که در دیه‌های معین مثل دیه نفس و دست و پا و چشم که مقدار دیه را شارع با توجه به جمیع خسارتها ملحوظ داشته و اندازه‌اش را معلوم کرده دیگر جانی نباید چیز اضافه بر مقدار دیه اداء کند و در کلام فقها هم به هیچ وجه به لزوم پرداخت خسارات اضافی اشاره ای نشده است.»(گرجی، ۱۳۹۰ : ۵۲) که این دیدگاه اخیر با انتقاداتی که اشاره شده مواجه می‌باشد. آنچه مبنای این نظر می‌تواند بوده باشد عدم هزینه‌های لازم به جهت جبران خسارت به مانند بیمارستان و . . . در زمان‌های فقهایی که با این نظر موافق بوده‌اند می‌باشد. این درحالی است که امروزه هزینه‌های پزشکی برای امور کوچک در بیمارستان مستلزم هزینه‌های هنگفت به مانند فیزیوتراپی، ریکاوری بعد از عمل و . . . می‌باشد. هر چند در نظر برخی حقوقدانان «برای رسیدن به نظریه مطلوب بهتر است اینگونه عنوان شود که آیا دیه ماهیت مدنی دارد (مربوط به روابط خصوصی افراد است) یا جزو حقوق عمومی‌است (تنظیم کننده روابط فرد با دولت است)؟» (بادینی، ۱۴۰۲ : ۳۳۵) . علاوه بر آن در نظریه تعهد ایمنی که مبتنی بر تعهد طبیعی احترام و آسیب نرساندن به تمامیت جسمانی انسانی دیگر است «متعهد تعهد می‌کند که نظارت و کنترل واقعی بر همه وقایع و اوضاع و احوال داشته باشد تا متعهدله یا شخص ثالث هیچ‌گونه آسیب و ضرر و زیانی متحمل نشود.بر اساس نظریه تعهد ایمنی، متعهد به خودی خود با جمع شرایط بیان شده، مسئول جبران ضرر و زیان وارد شده محسوب می‌شود.» (امیری و دشتی، ۱۴۰۳).

---

[۱]–دوران بین مجازات یا صرفا ماهیت جبران خسارت.

[۲]–آیت الله محمدتقی بهجت.

[۳]–آیت الله العظمی‌ناصر مکارم شیرازی.

[۴]–آیت الله العظمی‌سیدعبدالکریم موسوی اردبیلی.

## ۵. عوامل موثر در محاسبه ضرر غیرمستقیم

پس از جبران هزینه‌های ناشی از خسارت تا میزان دیه، هزینه‌ها و ضررهای ناشی از وقوع خسارت بر زیان‌دیده، خانواده وی و یا بازماندگان وی متصور و با چالش روبرو شده است. تامین هزینه‌های پوشاک، آموزش، اجاره یا خرید مسکن، بهداشت و درمان و . . . که به نوعی دچار شده است بالاخص زمانیکه فرزندان فرد متضرر خردسال و از طبقه ضعیف جامعه بوده باشند. تعلل در جبران این هزینه‌ها عملا علاوه بر گسیخته شدن خانواده، سبب بروز ناهنجاری‌ها و بزه‌های اجتماعی را به همراه خواهد داشت. در قانون مجازات اسلامی‌اتخاذ سیاست های پیشگیری از جرم بر کنترل مجرم و بزهکار همواره مقدم و مورد احترام مکاتب جنایی بوده است. از دیدگاه مکتب اصالت عمل، «کیفر تنها ابزار مبارزه با پدیده بزهکاری نیست و اساسنامه اتحادیه بین المللی حقوق کیفری نیز به این موضع اشاره دارد که کیفر یکی از کارآمدترین ابزاری است که دولت علیه بزهکاری در اختیار دارد. ولی تنها ابزار منحصر به فرد نیست.بنابراین، کیفر نباید از سایر درمان‌های اجتماعی جدا بماند و به ویژه نباید تدابیر پیشگیرانه را فراموش کرد.»(اردبیلی، ۱۳۹۶، ۱۴۳: ۱) با این اوصاف، اینگونه هزینه‌ها از عهده فرد زیان‌رساننده بر نیامده و می‌بایست تمهیداتی نسبت به تامین منبع مالی آن اندیشیده شود.

## ۶. قانون اساسی و مسئولیت دولت در بهبود وضعیت اجتماعی

به موجب قانونی اساسی با اصلاحات سال ۱۳۶۸ وظایفی بر عهده دولت در جهت ارتقاء معیشتی و بهداشتی مردم نهاده شده است. به موجب اصل ۲۹ ، برخورداری از تامین اجتماعی از نظر بازنشستگی، بیکاری، پیری، از کارافتادگی، بی‌سرپرستی، حوادث و سوانح و نیاز به خدمات بهداشتی و درمانی و مراقبت‌های پزشکی به صورت بیمه و غیره حقی همگانی است. این اصل، نه بصورت احصائی بلکه مصداقی ، دولت را نسبت به تامین هزینه‌های لازم در شان ملت ایران به استناد اصل ۳۱ ملزم نموده است. همچنین در بند یک اصل ۴۳ ، حاکمیت در جهت ریشه کردن فقر، محرومیت و برآوردن نیازهای انسان در جریان رشد ملزم به تامین نیازهای اساسی چون بهداشت، درمان، آموزش و پرورش و امکانات لازم برای تشکیل خانواده برای همگان ملزم و متعهد گردیده است. «... با این‌حال، تاکیدی که قسمت «ج» از بند ششم اصل دوم و بندهای نهم و چهاردهم اصل سوم و نیز اصل نوزدهم قانون اساسی بر عدل و برابری عمومی دارند و نیز با ملاحظه اصل چهلم قانون اساسی که می‌توان گفت قاعده لاضرر را حتی در امر حکمرانی پیش‌بینی و جاری کرده است...»(واعظی، ۱۴۰۲). در همین راستا به موجب نظریه مشورتی [۱]«با توجه به بند «الف» ماده یک و ماده ۳۵ قانون بیمه اجباری خسارات وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادث ناشی از وسایل نقلیه مصوب ۱۳۹۵، هزینه‌های متعارف معالجه اشخاص ثالث زیان‌دیده و راننده مسبب حادثه به طور کلی و بدون داشتن سقف معین با لحاظ ماده ۳۰ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲) مصوب ۱۳۹۳ بر عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی است و این‌که هزینه‌های معالجه کمتر یا بیشتر از میزان دیه باشد، در تعهدات وزارتخانه یاد شده بی‌تأثیر است» عملا بر مسئولیت وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی به عنوان بخشی از دولت تاکید گردیده است. با این اوصاف و با نگاهی به آنچه بدان اشاره شد جبران ضرر یا خسارات غیرمستقیم اعم از مادی یا معنوی از وظایف بالذات حاکمیت در معنای وسیع و دولت در معنای مضیق می‌باشد. که در این راستا در ادامه به ماهیت و چگونگی تامین منابع مالی پرداخته خواهد شد.

## ۷. فلسفه مسئولیت مدنی پیشگیرانه

آنچه از مسئولیت مدنی در نگاه مدرن به آن تاکید می‌شود فلسفه بازدارنگی آن می‌باشد. «پیشگیری از وقوع خسارت یکی از گرایش‌های نوین در مسئولیت مدنی می‌باشد. بر اساس این رویکرد، مسئولیت مدنی در زمینه‌های مختلف بجای آنکه منتظر وقوع خسارت باشد به سمت پیشگیری از وقوع خسارت گرایش می‌یابد.»(اسکافی، شاهسوندی و بزرگمهر، ۱۴۰۴) اهمیت این نوع نگرش در کاهش هزینه‌های ناشی از جبران خسارات خواهد بود. «به باور تنگ[۲] در این که بازدارنگی یکی از کارکردهای مسئولیت مدنی

---

[۱]- ۷/۱۴۰۰/۱۶ مورخ ۱۴۰۰/۰۱/۳۱.

[۲]-Andre Tunc.

است، تردید چندانی وجود ندارد.»(بادینی، ۱۴۰۲: ۳۵۷). به عبارتی، اهمیت اتخاذ سیاست حمایتی از زیان‌رساننده و زیان‌دیده به جهت پیشگیری از آثار آتی برای هر دو طرف، با نگاهی به فلسفه مسئولیت مدنی از این دیدگاه، قابل استنباط و دفاع خواهد بود.

## ۸. شناسایی منشاء مسئولیت دولت

برای مسئول یا ملزم کردن دولت به جبران خسارات اعم از آنکه به واسطه بخشی از ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی، ماده ۲۴ قانون برنامه سوم توسعه و ماده نه قانون برنامه چهارم توسعه بوده باشد یا به واسطه جبران خسارات ناشی از عمل غیر بوسیله مقنن طی قانون جدید به مانند آنچه در راستای افزایش رفاه عمومی اشاره شده در قانون اساسی و در بخش شش مقاله، شاید لزوم تاکید بدان بالاخص در تامین بودجه‌های مربوطه لازم و ضروری است.«قانونی بودن منشاء مسئولیت، بیش از هر چیز، برخواسته از منطق حاکمیت قانون به عنوان آموزه هستی‌بخش و هویت دهنده حقوق عمومی است. . . که مسئولیت مدنی دولت، ایجاد نوعی صلاحیت برای دولت یا مقام عمومی‌است و ایجاد صلاحیت از هر نوع و به هر شکل که باشد، تنها به موجب قانون خواهد بود.»(زرگوش،۱۳۸۹، ۱۸۰: ۱) (امامی و زرگوش، ۱۳۸۶). با عنایت به تاکید قانون اساسی به آنچه بدان در بخش شش اشاره گردید بنظر می‌رسد عدم توجه دولت به وظایف محوله از مصادیق مسئولیت مدنی از باب تقنین می‌باشد. «در فرانسه، مسئولیت مدنی دولت نه تنها عمل اجرایی، بلکه اعمال قضایی و تقنینی را نیز شامل می‌شود.(زرگوش، ۱۳۸۸). «با چنین نگرشی، مسئولیت مدنی حاکمیت در قبال مردم، مفهومی گسترده‌تر می‌یابد. چنانکه تمام خسارات و ضرر و زیان‌هایی که به علت عدم قانون‌گذاری و برنامه‌ریزی صحیح در اداره امور جامعه، فراهم نیاوردن بسترهای مناسب پیشرفت اقتصادی، رفاهی و امنیتی و خلاصه سوءمدیریت، متوجه مردم می‌شود حاکمیت ملزم به جبران آن می‌باشد.»(ارسطا و ممی‌زاده ، ۱۳۹۷). همچنین «به نظر می‌رسد زمینه جواز پیش‌بینی مسئولیت مدنی دولت در نتیجه زیان‌های ناشی از تقنین، به شرط لحاظ اصل برابری شهروندان مقابل هزینه‌های عمومی، بر احتمال منع آن، غلبه دارد.»(واعظی، ۱۴۰۲)

## ۹. توزیع ضرر

مهم ترین راهبرد در مسئولیت مدنی این است که آیا معیار اصلی مسئولیت مبتنی بر تقصیر فردی است یا توزیع گسترده خطر و ضرر. از راه‌های مختلف می‌توان سیاست توزیع ضرر را محقق ساخت. بنظر کالابرسی[۱] «چنین نظامی(نظام آرمانی حقوق حادثه) را می‌توان با تخصیص هزینه‌های حوادث به دسته‌هایی از افراد که می‌توانند ارزانتر از حوادث پیشگیری کنند و در عین حال آن قدر وسیع هستند که می‌توانند هزینه‌ها را به گونه‌ای شایسته که بتوانند دومین دسته از هدف‌های مربوط به کاهش هزینه‌های حوادث (هزینه‌های اجتماعی ناشی از حوادث) را برآورده سازد پخش کنند به کار انداخت و می‌توان با برقراری جریمه‌های غیرقابل بیمه، مجازات‌ها و مالیاتهای تعیین شده به میزان لازم برای بازداشتن یا محدود کردن بیشتر اعمال و فعالیت‌هایی که فراتر از آنچه بازار انجام می‌دهد، جامعه در صدد تنبیه یا بازداشتن آنها است، از آن پشتیبانی کرد... در حال حاضر مهم ترین راه‌های عملی کردن سیاست «توزیع ضرر» که در ادامه بدان پرداخته می‌شود عبارت است از طرح‌های اجتماعی جبران خسارت، بیمه خصوصی و مسئولیت محض شرکت‌ها و موسسات . (بادینی، ۱۴۰۲ : ۴۵۴) قانونگذار ایران، نه بصورت کلی بلکه در برخی موارد از این رهنمود در جهت توزیع ضرر بالاخص در فصل یازدهم قانون کار با عنوان جرایم و مجازات‌ها استفاده نموده است. هر چند تخلف انگاری از این قواعد می‌تواند موثر واقع شود اما می‌بایست واقع‌بین بود و کارایی آن را به چالش کشید. شرط لازم برای پیشگیری از حوادث ، بازرسی‌های دوره‌ای و نامنظم از فعالیت‌های کارگری–کارفرمایی است که با حجم انبوه از کارگاه‌ها و کمبود نیروی انسانی در وزارت کار و امور اجتماعی عملا شاید نتوان انتظار بیشتری از این موضوع داشت. زیرا هر چند کارفرما پس از بروز حادثه به طریقی درصدد جبران خسارت برخواهد آمد ولی در این مرحله صرف بار نمودن مجازات و جبران خسارت عملا تاثیری در پیشگیری نخواهد داشت مگر در جهت تامین بخشی از هزینه‌های جبران خسارت به مانند «صندوق تامین خسارت‌های بدنی» خواهد بود. در دیدگاه

[۱]-Guido Calabresi. 'The Decision for Accidents: An Approach to Nonfault Allocation of Costs", Harvard Law Review, Volume 78, Number 4, February 1965, pp. 713-745.

نوین جبران خسارات ناشی از ضرر، صرفا متوجه شخص زیان‌رساننده نمی‌باشد. زیرا در بسیاری از موارد یا وی توانایی جبران را ندارد یا شناسایی عامل زیان مقدور نمی‌باشد. فلذا «مسئولیت مدنی نباید فقط کارکرد انتقال ضرر را داشته باشد بلکه می‌تواند دارای کارکرد توزیعی برای جبران خسارت باشد؛ یعنی هزینه جبران خسارت بین تمام یا بخش مرتبطی از جامعه سرشکن و توزیع شود. . . . مسئولیت محض، بیمه‌ها، صندوق تامین، بیت المال و عاقله از مصادیق توزیع خسارت هستند. »(عابدی و نادی، ۱۳۹۹: ۴۱) در همین راستا ذکر این نکته هم لازم و ضروری است که آنچه دولت از باب غرامت پرداخت می‌نماید ناشی از تئوری توزیع ضرر می‌باشد. « . . . غرامت پرداختی توسط دولت، بخشی از مالیات و عوارض دریافتی از اعضای جامعه و دیگر درآمدهایی است که در نهایت یا بارمالی آن از طریق مالیات و عوارض میان افراد جامعه، سرشکن می‌گردد و یا از محل درآمد حاصل از اموال عمومی و یا دولتی است. . . »(زرگوش، ۱۳۸۹، ۱۱۸: ۱)

### ۹-۱. طرحهای اجتماعی جبران خسارات

طرح اجتماعی جبران خسارت، نظامی مبتنی بر حقوق عمومی‌است که توسط قانون، با هدف جبران خسارت‌هایی خاص ایجاد می‌شود و معمولا منابع مالی آن از طرق اخذ مالیات و یا برقراری نوعی از نظام بیمه اجباری[۱]و گرفتن حق بیمه از فعالیت‌ها و افرادی خاص تامین می‌گردد. این طرح‌ها با تکیه بر عدالت توزیعی، روشی مطمئن در توزیع و جبران خسارت در جامعه که همه افراد در آن ذینفع باشند ایجاد نموده است. «...چه در فرایند تقنین و چه در فرایند نقد و ارزیابی قانون باید معیار عدالت توزیعی را همواره مدنظر داشت و آن را یک ضابطه پایه لحاظ کرد، چرا که در غیاب آن جامعه از بنیاد غیرعادلانه خواهد بود.»(کریمی، بادینی و عباسلو ، ۱۴۰۲)

### ۹-۲. بیمه خصوصی

بیمه‌های خصوصی در راستای بیمه‌های اجباری به مانند پرداخت حق بیمه تامین اجتماعی (رعایت سهم کارگر و کارفرما) به عنوان ابزاری اطمینان‌بخش برای کارفرمایان یا حتی کارگران با عنوان «بیمه عمر» به نوعی در صدد توزیع خسارت و یا جبران حداکثری مطرح شده است. «از نظر اقتصادی، پاسخ به این پرسش که چه کسی باید مسئول شناخته شود به منزله پاسخ به این پرسش است که چه کسی مکلف به بیمه کردن و آغاز روند توزیع ضرر است.بنابراین، اگر ثابت شود که در ارتباط با دسته خاصی از حوادث بیمه شخص اول بر بیمه شخص ثالث ترجیح دارد، لازم است قاعده مسئولیت متناسب با آن تغییر داده شود و بر عکس.» (بادینی، ۱۴۰۲ : ۴۵۸)

### ۹-۳. مسئولیت محض شرکت‌ها و موسسات:

شرکت‌ها و موسسات به دلیل رابطه مستقیم با موضوع فعالیت، بهترین موقعیت راهبردی برای اداره ضرر و انتقال آن به بخش وسیعی از اعضای جامعه از طریق بیمه منظم یا تنظیم قیمت هستند. این مسئولیت علاوه بر توزیع ضرر اهداف دیگر ایجاد انگیزه برای پیشگیری از ضرر و تنظیم سطح فعالیت شرکت‌ها و موسسات با الزام آنها به درونی کردن هزینه‌های ناشی از ضررهای فعالیت‌هایشان را دنبال می‌کند. (بادینی، ۱۴۰۲ : ۴۵۸)

## ۱۰. لزوم تاسیس صندوق جبران خسارات

«مسئولیت صندوق تامین خسارت بدنی، از مهم‌ترین مصادیق انعکاس «عدالت توزیعی» در مسئولیت مدنی در حقوق ایران می‌باشد.» (نصرارکن، اوزان و مولایی، ۱۳۹۸) با مطالعه بخش‌هایی از رای وحدت رویه شماره ۷۳۴ مورخ ۱۳۹۳/۰۷/۲۲ دیوان عالی کشور که «فلسفه تشکیل صندوق تامین خسارت‌های بدنی حمایت از زیان‌دیدگان حوادث رانندگی است که خسارت‌های وارد شده به آنها از سوی شرکت‌های بیمه قابل پرداخت نیست و با عنایت به اینکه از مقررات قانون و آیین نامه اجرایی آن در خصوص

[۱] –به مانند ماده ۲۴ قانون بیمه اجباری خسارت وارد شده به شخص ثالث در اثر حوادق ناشی از وسایل نقلیه. »

نحوه مراجعه زیان‌دیدگان به صندوق برای دریافت خسارت چنین مستفاد می‌شود که نظر قانون‌گذار تسریع و تسهیل در پرداخت خسارت بدنی زیان‌دیده می‌باشد.». حال اینگونه سوال به ذهن متبادر می‌شود که وقتی هدف قانونگذار احترام به جان زیان‌دیده در راستای تسریع و تسهیل در پرداخت خسارت بدنی زیان‌دیده از صندوق تامین خسارت بدنی بدون لزوم تقدیم دادخواست به طرفیت صندوق تامین در دادگاه جزایی (کیفری) بوده است؛ چرا نباید انتظار داشت و یا اختلاف نظر در رویه دادگاه‌ها در جبران خسارات مازاد دیه یا به توسط زیان‌رساننده و یا در مقام اعلاء به توسط تاسیس «صندوق جبران خسارات» و یا استفاده از بیت‌المال که مستلزم اصلاح در قوانین موضوعه کشور می‌باشد محقق نشود؟(رواقی اردبیلی، نجادعلی الماسی و میرداداشی، ۱۴۰۵) این صندوق ویژه، «دارای شخصیت حقوقی مستقل بوده و به طور معمول، خارج از سازمان اداری دستگاه‌ها اما در ارتباط همیشگی با آنها قرار دارند. به مانند صندوق پرداخت غرامت به افراد مبتلا به ایدز مصوب ۱۹۹۱ م ، صندوق پرداخت غرامت آسیب‌دیدگان از واکسیناسیون مصوب ۱۹۴۶ م ،صندوق پرداخت غرامت به کسانی که به اشتباه بازداشت یا محکوم شده‌اند مصوب ۱۹۷۰ م صندوق پرداخت غرامت آسیب‌دیدگان از اعمال تروریستی مصوب ۱۹۹۰ م و صندوق ویژه برای پرداخت غرامت بزه‌دیدگان همه جرایم. . . که این صندوق ها در حال گسترش هستند. . . »(زرگوش، ۱۳۸۹، ۲۳۴: ۱).

## ۱۱. تامین اعتبار لازم برای پرداخت غرامت

پس از بررسی و لزوم تاسیس صندوق ویژه‌ای که بدان با موضوع مربوط به جبران خسارات غیرمستقیم اشاره گردید مبحث تامین اعتبار امری لازم و ضروری است. این تامین آیا می‌بایست از طریق بودجه عمومی‌تاسیس گردد یا از طریق واریز بخشی از مالیات بر درآمد یا ارزش افزوده و یا اخذ آن بصورت مستقیم از مردم در قالب ذینفعی احتمالی همه افراد جامعه، که از آن به «عدالت توزیعی» تفسیر می‌شود تامین نمود.؟ بنظر می‌رسد متعادل‌ترین روش برای تامین آن، تلفیقی از مشارکت مردم و دولت به نسبت سهمی مشخص می‌باشد. ذینفعی مستقیم مردم به دلیل احتمال وقوع ضرر در طی دوره حیات یا خانواده وی از یک طرف و ذینفعی دولت در مقام کاهش آسیب‌های ناشی از آن از طرف دیگر، مشارکت هر دو را لازم و ضروری می‌نماید. مشابه این امر برای دارندگان اتومبیل و امری بودن بیمه شخص ثالث به تبع دارا بودن خودرو می‌باشد.

## ۱۲. تایید ضمنی دولت بر الزام خود به جبران خسارات غیرمستقیم:

با فرض عدم تعلق مازاد دیه در فقه به استناد استدلال برخی فقهاء، منشعب از فضای اجتماعی–اقتصادی بسته قرون گذشته که منطبق با شرایط فعلی جامعه نمی‌باشد، چگونه می‌توان انتظار داشت دولت در راستای رعایت وضعیت اقتصادی بازماندگان به مانند حوادث ناشی از انفجار معدن طبس در سال ۱۴۰۳ ، پرونده موسوم به بیماران هموفیلی و . . . اقدام به جبران خساراتی نموده باشد. ؟ این پرداخت بالطبع از منابع عمومی دولت که از بودجه عمومی‌کشور تامین می‌شود پرداخت گردیده است. در صورتیکه باید مد نظر داشت هر گونه پرداخت خارج از ضوابط و آنچه در بودجه عمومی‌کشور لحاظ شده است از مصادیق تخلف و مجوز ورود دیوان محاسابات کل کشور و یا سازمان بازرسی کل کشور را سبب خواهد شد. پس می‌توان نتیجه گرفت که اینگونه پرداخت‌ها در راستای مصالح عمومی‌کشور منطبق بر ضوابط بوده است. گواه این مطلب، تامین ۵۰٪ هزینه تامین مسکن بازماندگان انفجار معدن طبس در سال ۱۴۰۳ توسط دولت بعلاوه شروع اقساط ماهانه دو میلیون تومان از سال سوم در طرح نهضت ملی مسکن[۱]از مواردی است که علیرغم عدم مسئولیت دولت، نشانگر توجه به موضوع جبران خسارت با تاکید بر سببیت غیرمستقیم می‌باشد.

[۱] – پایگاه خبری وزارت راه و شهرسازی، (۱۴۰۳)، وزارت راه و شهرسازی به خانواده‌های جان‌باختگان معدن طبس یک دستگاه آپارتمان تحویل می‌دهد.

## ۱۳. جبران خسارات از نگاه تطبیقی:

آنچه از مطالب فوق‌الذکر بدان اشاره گردید بنظر می‌رسد حاکمیت در مقام قانونگذاری، اجرایی و قضایی[۱] می‌توانست با شناسایی و آسیب‌شناسی موضوع این تحقیق، از سال‌ها قبل اقداماتی را انجام بدهد. هر چند در این خصوص نیاز به وقوع تقصیر حاکمیت متصور نمی‌باشد. زیرا «در حال حاضر دست‌کم در زمینه مسئولیت مدنی دولت، تقریبا در بسیاری از کشورهای اتحادیه اروپا، مسئولیت محض مورد پذیرش دکترین و رویه قضایی قرار گرفته است، به این صورت که نیاز به اثبات تقصیر عامل زیان نیست و تنها نیاز[۲]است که فعل یا ترک فعل زیانبار اثبات شود... در یک پرونده خسارت‌های ناشی از بیکاری در مینه‌سوتا[۳] توسط کارفرمایان پرداخت نمی‌شود، بلکه از بودجه دولتی توسط صندوق اعتباری بیمه بیکاری تامین می‌شود. (علم‌خانی و همکاران، ۱۴۰۴). در مطالعات حقوقی ایران، قوانین و آرایی مبنی بر حمایت از خانواده‌های از کارافتادگان ناشی از نقص عضو یا فوت به واسطه مشاغل یا آسیب‌های ناشی از وقوع ضرر به زیان‌دیده بجز آنچه مستمری یا . . . مشاهده نمی‌شود ولی شاید با مطالعه بخش‌هایی از قوانین یا مقالات دیگر کشورها بتوان به دستاوردهایی جهت توسعه و افزایش حمایت از این اقشار و بازماندگان آنان برآمد.

### ۱-۱۳. مطالعه مربوط به جبران خسارت کارگران در ایالت نیومکزیکو:

در این مطالعه با موضوع «ارزیابی کفایت مزایای جبران خسارت با بررسی زیان‌های درآمدی بلندمدت ناشی از آسیب‌های شغلی در ایالت نیومکزیکو»، آسیب‌دیدگان در بازه زمانی ۱۹۹۴–۲۰۰۰ میلادی بر مبنای داده‌های درآمدی فدرال از سال ۱۹۸۷–۲۰۰۷ میلادی حدود ۱۵٪ از درآمدشان را طی مدت ۱۰ سال به دلیل تاثیر ناشی از آسیب‌های شغلی از دست می‌دهند. به عبارتی نه تنها باعث افزایش درآمد متناسب با تورم نمی‌شود بلکه با کاهش سرمایه نیز مواجه می‌شوند. این تحقیق، میزان جبران خسارت در این بازه زمانی را صرفا به مقدار ۱۶٪ از آنچه می‌توانستند در ۱۰ سال به دست آورند جبران نموده است. به عبارتی با کاهش درآمد ۸۴٪ مواجه شده اند. این موضوع نگرانی‌هایی را درباره عدالت و اثربخشی نظام جبران خسارت ایجاد می‌کند. (سیباری و دیگران، ۲۰۱۷)[۴]

### ۲-۱۳. بررسی جبران خسارات در آسیب شغلی در ایالت متحده آمریکا:

این مقاله به بررسی ارتباط میان آسیب‌های شغلی و بی‌ثباتی مسکن در ایالات متحده می‌پردازد. نویسنده با تحلیل داده‌های پیمایشی و مصاحبه‌های عمیق با کارگران آسیب‌دیده، نشان می‌دهد که پس از وقوع حادثه، بسیاری از خانواده‌ها با کاهش درآمد، افزایش بدهی، و خطر بی‌خانمانی مواجه می‌شوند.

نظام جبران خسارت[۵] در برخی ایالت‌ها شامل کمک هزینه اجاره، پرداخت بدهی‌های مسکن، یا معرفی به برنامه‌های حمایتی مانند HUD و FEMA است. اما در عمل، این حمایت‌ها به‌ندرت فعال می‌شوند مگر اینکه کارگر یا خانواده‌اش به‌طور خاص درخواست کنند. مقاله تأکید دارد که عدم هماهنگی میان نهادهای بیمه‌ای، خدمات اجتماعی، و نهادهای مسکن باعث شده تا خانواده‌های آسیب‌دیده از حمایت کافی برخوردار نباشند. جامعه آماری شامل ۳۲۵ کارگر آسیب‌دیده در پنج ایالت آمریکا ، ۶۵ مصاحبه دقیق با خانواده‌های دچار بحران مسکن ، داده‌های تکمیلی از HUD، FEMA و دفاتر بیمه ایالتی می‌باشد. نهایتا نویسنده نتیجه می‌گیرد که نظام جبران خسارت باید فراتر از پرداخت مستمری عمل کند و شامل حمایت‌های مسکن، مشاوره مالی، و خدمات اجتماعی

---

۱- معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم.

۲- واژه «لازم» مناسب‌تر است.

۳- Minnesota.

۴ - Seabury & Others, 2017.

۵- Workers’ Compensation.

برای خانواده‌های آسیب‌دیده باشد. همچنین پیشنهاد می‌شود که دولت فدرال چارچوبی یکپارچه برای اتصال بیمه‌های کاری با خدمات مسکن طراحی کند تا از بی‌خانمانی پس از حادثه جلوگیری شود. (بل، ۲۰۲۳)[1]

## ۱۴. جبران خسارات از نگاه حکومت اسلامی (دولت)

در نهایت، با نگاهی به آنچه گذشت می‌توان به سبقه تاریخی جبران خسارات در حکومت اسلامی که از آن به مسئولیت مدنی دولت پس از تشکیل ساختار مدرن دولت–ملت با نام بیت‌المال به وجود آمده است اشاره نمود.

در وهله اول آنچه از بیت‌المال به ذهن متبادر می‌شود به هر گونه اموالی که در مالکیت شخصی، صنفی و ... برای قشری خاص نداشته و به آحاد ملت تعلق دارد اشاره کرد. نحوه تخصیص آن در عصر حاضر، ظاهرا بر عهده دولت می‌باشد. فلسفه ایجاد بیت‌المال، «با توجه به دامنه فتوحات اسلامی در دوران خلیفه دوم به بیرون از حجاز که باعث به دست آوردن غنایم، خراج و جزیه، به شکل سیل‌آسا به مدینه سرازیر شد.»(بینش، ۱۳۸۳: ۲۰) مستند قرآنی آن در آیه ۷ سوره حشر می‌باشد.

اداره مناسب جامعه حکومت موسوم به اسلامی، تأسیس دولت، تشکیل قوای حکومتی و ... در زمینه‌های مختلف، جز با پیش‌بینی و تعلق منابع مالی متناسب و هزینه‌کردن اموال، امکان‌پذیر نبود.مدیریت برای تأمین منابع مالی و دریافت آن برای اجرای اهداف مدنظر، همواره مهم‌ترین مسئله حاکمان بوده است. اسلام نیز برای رفع نیازمندی‌های عمومی جامعه، با تعریف منابع مالی خاص در کنار احکام عبادی، احکام اقتصادی و سیاسی سعی در مدیریت دوران حاکمیت خود داشته است. در خصوص نحوه مصرف و مدیریت بیت‌المال ، در ابتدای اسلام نیز درباره چگونگی استفاده از آن، حساسیت زیادی وجود داشت.علاوه بر مصرف بیت‌المال در امور حکومت اسلامی به مانند تامین هزینه‌های جنگ و ... در دیگر امور مسلمین به مانند تامین خدمتگزار برای هر زمین‌گیر (فلج)، کور و جذامی، مستمری برای معلولان و نابینایان، تامین هزینه رایگان یتیمان، آسایش در راه ماندگان، مستمری برای طلاب و مدرسان علوم و ... . توزیع ده میلیون درهم به آسیب دیدگان آتش سوزی کرخ بغداد توسط عمر و بن عبدالعزیز در سال ۲۲۵ ه.ق (۸۳۹ میلادی) ، پرداخت سه هزار درهم به آسیب دیدگان زلزله مغرب در سال ۲۴۵ ه.ق (۸۵۹ میلادی) (الدجیلی، ۱۳۷۹: ۱۱۷–۱۱۹) برخی از فقها ، «گسترش موارد پرداخت دیه از بیت‌المال را پذیرفته و حتی در موردی که خود فرد ، اختیاری در ایراد ضرر به دیگری نداشته، حکم به پرداخت دیه از بیت‌المال داده اند.»(محقق اردبیلی، ۱۳۶۴، ۲۴۶ : ج۱۴) در واقع تفسیر گسترده موارد پرداخت دیه از بیت‌المال و یا مازاد بر آن از بیت‌المال و تلقی از آن به عنوان یک اصل و نه استثناء با فلسفه اصلی حاکم در مورد بیت‌المال سنخیت و سازگاری دارد.

## نتیجه و پیشنهاد

وقوع خسارات وارده بر زیان‌دیده و تحمیل آثار ناشی از آن بالاخص مادی بر خانواده یا بازماندگان وی، محل بحث و چالش در مراجع قضایی می‌باشد. بدین صورت که این مراجع صرفا تا میزان دیه، خود را ملزم به صدور رای در جهت جبران خسارات می‌دانند. در حالی‌که عملا و در واقعیت این هزینه‌ها، بیشتر از آن می‌باشد. در این راستا با استناد به تکالیف مقرر دولت در قانون اساسی در زمینه تأمین رفاه عمومی، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و تحقق عدالت اجتماعی، امکان مداخله دولت در جبران برخی خسارات غیرمستقیم قابل توجیه است. همچنین با توجه و بهره‌گیری از مکاتب کیفری مبتنی بر پیشگیری از وقوع جرم به تبع آثار ناشی از این زیان‌ها بر متضرر و خسارت‌دیدگان، می‌توان مسئولیتی برای دولت، نسبت به جبران این هزینه ها منجمله تامین هزینه‌های تحصیلی، تربیتی، ازدواج، اجاره‌بها، خرید مسکن و ... با تشکیل و تأسیس صندوقی، مشابه صندوق تأمین خسارت‌های بدنی موضوع قانون بیمه اجباری، در قالب یک سازوکار حمایتی مبتنی بر مسئولیت مدنی دولت، پیش‌بینی نمود. چرا که از منظر اقتصادی و سیاست جنایی، هزینه‌های ناشی از پیشگیری اجتماعی از جرم و حمایت از زیان‌دیدگان، به مراتب کمتر از هزینه‌های ناشی از مقابله

[1] - Bell, 2023.

با پیامدهای بزهکاری و آسیب‌های اجتماعی ناشی از فقدان حمایت‌های لازم برای قشر موضوع بحث مقاله خواهد بود. هرچند پذیرش مسئولیت دولت در جبران خسارات ناشی از فعل اشخاص ثالث، به دلیل فقدان نقش مستقیم دولت در ایجاد زیان، در نگاه نخست با تردید مواجه است، لیکن با توجه به تکالیف مقرر در قانون اساسی، وجود نهادهای مشابه در نظام حقوقی ایران و رویکردهای نوین مسئولیت مدنی، چنین مداخله‌ای از منظر حقوقی قابل توجیه خواهد بود. تحقق این امر (جبران خسارات) علاوه بر افزایش رفاه عمومی که از وظایف حاکمیت و دولت می‌باشد، سبب کاهش ناهنجاری‌ها و دیگر اسباب ناشی از وقوع خسارت بالاخص با تاکید بر قواعد فقهی معتبری چون لاضرر، نفی عسر و حرج خواهد شد. پیشنهاد می‌شود به‌منظور تحقق این سیاست حمایتی، مقنن با تصویب قانون، نسبت به تأسیس صندوقی تحت عنوان «صندوق جبران خسارات غیرمستقیم ناشی از فعل غیر» اقدام نماید.

## منابع:


اردبیلی، محمدعلی (۱۳۹۶). *حقوق جزای عمومی* جلد ۱، تهران: انتشارات میزان.

ارسطا، محمدجواد؛ ممی‌زاده، مهدی (۱۳۹۷). مسئولیت مدنی ناشی از تقنین، *دوفصلنامه علمی-پژوهشی پژوهش‌نامه حقوق اسلامی*، ۴۸ (۲)، ۳۴۲-۳۱۹.

اسکافی، نرگس؛ شاهسوندی، اسماعیل؛ بزرگمهر، امیرعباس (۱۴۰۴). بررسی و امکان‌سنجی تحقق مسئولیت مدنی پیشگیرانه با تکیه بر قوانین حقوقی ایران، *فصلنامه علمی پژوهش‌های نوین حقوق* اداری، ۲۲(۱) ، ۸۰-۵۷.

https://www.doi.org/10.22034/mral.2023.2003968.1478

الدجیلی، خوله شاکر (۱۳۷۹). *بیت‌المال، پیدایش و تحولات آن*، مشهد: انتشارات بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

امامی، محمد؛ زرگوش، مشتاق (۱۳۸۶). اصل قانونی بودن مسئولیت مدنی دولت، پژوهشنامه حقوق و علوم سیاسی، ۷ (۴)، ۱۳-۳۴.

امیری، مصطفی؛ دشتی، محمدتقی (۱۴۰۳). امکان‌سنجی نظریه خطر به عنوان مبنای مسئولیت مدنی دولت در حقوق ایران، *فصلنامه علمی پژوهش های نوین حقوق اداری*، ۱۸(۱)، ۳۶۸-۳۴۵.

بادینی، حسن (۱۴۰۲)، *فلسفه مسئولیت مدنی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

بینش، عبدالحسین (۱۳۸۳)، *بیت‌المال و حقوق آن*، قم: انتشارات پژوهشکده تحقیقات اسلامی.

رواقی اردبیلی، سهیل؛ الماسی، نجادعلی؛ میرداداشی، سیدمهدی (۱۴۰۵). چالش‌ها و راهکارهای جبران کامل خسارات ناشی از کاهش قدرت کار یا از کارافتادگی زیان‌دیده و فقدان سرپرست در حقوق موضوعه و رویه قضایی ایران/رساله دکتری، به راهنمایی نجادعلی الماسی، به مشاوری سیدمهدی میرداداشی، دانشگاه آزاد اسلامی‌واحد قم.

زرگوش، مشتاق (۱۳۸۸). مسئولیت مدنی دولت از مصونیت تا مسئولیت، نشریه حقوق اساسی، ۱۲(۴)، ۷۰-۴۲.

زرگوش، مشتاق (۱۳۸۹). *مسئولیت مدنی دولت*، جلد اول، تهران: انتشارات میزان.

عابدی، محمد. نادی، محمدتقی (۱۳۹۹). *مسئولیت مدنی و نظام جبران خسارت در حوادث رانندگی*، تهران: شرکت سهامی انتشار.

علم‌خانی، اعظم؛ رنجبرصحرایی، مسعودرضا؛ استوارسنگی،کورش؛ انصافی‌آذر، بهنام (۱۴۰۴). چالش‌های طرح دعوای مسئولیت مدنی علیه دولت در موضوع بیکاری، *نشریه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۵(۲)، ۱۳۲۸-۱۳۱۰.

https://doi.org/10.22059/jplsq.2024.371158.3473

کریمی، جمشید؛ بادینی، حسن؛ عباسلو، بختیار (۱۴۰۲). عدالت توزیعی در حقوق ایران، *نشریه رهیافت انقلاب اسلامی*، ۶۲(۱)، ۴۶-۲۷.

https://www.rahyaftjournal.ir/article_174011.html

گرجی، ابولقاسم (۱۳۹۰). *دیات*، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

ملکی‌زاده، حسین؛ ناصحی، علی؛ پورسعید، رامین (۱۴۰۳). مسئولیت مدنی بدون تقصیر دولت در بلایای طبیعی، *فصلنامه علمی جامعه‌شناسی فرهنگ و هنر*، ۶ (۴)، ۱۳۱-۱۱۷.

https://doi.org/10.22034/scart.2024.140550.1447

مولائی، آیت (۱۳۹۹). موانع و چالش‌های اعمال مسئولیت مدنی دولت در ایران، *فصلنامه مطالعات حقوق عمومی*، ۵۰(۴)، ۱۴۲۳-۱۴۴۰.

https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.266420.1829

نصراركن، حجت؛ محمدرضاپور اوزان، بابک؛ مولایی، یوسف (۱۳۹۸). *بررسی جایگاه عدالت توزیعی در مسئولیت مدنی*، مجله تحقیقات حقوق بین المللی، ۴۵ (۳): ۳۳۷-۳۱۱.

https://sanad. iau. ir/fa/Article/1059623

واعظی، سیدمجتبی (۱۴۰۲). جایگاه عنصر زیان در مسئولیت مدنی دولت، *نشریه مطالعات حقوقی*، ۱۵(۲)، ۱۷۱-۱۴۴.

https://doi.org/10.22099/jls.2023.43640.4708

نجفی اردبیلی (محقق اردبیلی)، احمد بن محمد (۱۳۶۴). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح ارشاد الاذهان*، جلد ۱۴، قم: انتشارات جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

Abedi, M., Nadi, M. (2021). Civil Liability and Compensation System in Driving Accidents, Tehran: Enteshar Publication co. ( In Persian).

Alamkhani, A., RanjbarSahraee, M., Ostovar Sangari, K., Ensafi Azar, B. (2025). Challenges of Filing Civil Liability Claims Against the Government Regarding Unemployment, Public Law Studies Quarterly, 55(2), Pages: 1310-1328. (In Persian).

https://doi.org/10.22059/jplsq.2024.371158.3473

Al'Dajili, Kh. (2001). "Beytol Mal, Genesis and Evolution", Mashhad: Bonyad Pajohesh Eslami pub. (In Arabic).

Amiri, M ., Dashti, M . (2024). Feasibility of Risk Theory as the Basis for Civil Liability of Government in Iranian law , Journal of Modern Administrative Law Research, 18(1), Pages: 345-368. [In Persian] .https://www.doi.org/10.22034/mral.2023.1999256.1453

Arasta, M., Mamizadeh, M. (2019). Civil Responsibility as a Result of the Legislation, Journal of Islamic Law Reserch Journal , 2(48), Pages: 319-342. [In Persian].

Ardabili, M . (2017). General Criminal Law, Volume 1, Tehran: Mizan pub. (In Persian).

Badini, H . (2024). Philosophy of tortal law, Tehran: Enteshar Publication co. (In Persian).

Bell, J. L. (2023). The role of workers' compensation in addressing housing insecurity after occupational injury. Journal of Occupational Health Psychology, 28(1), 45–62.

Binesj, A. (2010). BeytuolMal and Law, Qom: Islamic research institute press. (In Persian)

Emami, M., Zargosh, M . (2008). Principle of Legality of Civil Liability , Journal of Research on Political Rights and Sciences, 7(4), Pages: 13-34. (In Persian).

Eskafi, N ., Shahsavandi, E ., BozotgMehr, A . (2025). Investigation and Feasibility of Realizing Preventive Civil Liability Based on Iran's Legal Laws, Journal of Modern Research on Administrative Law, 1(22), Pages: 57-80. (In Persian).

https://www.doi.org/10.22034/mral.2023.2003968.1478

Gorji, Abolghasem. (2012). Diat. Tehran: University of Tehran Press. (In Persian).

Malekizadeh, H., Nasehi ,A ., Poursaid, R. (2024). Civil liability without the fault of the government in natural disasters, Journal Of Sociology of Culture and Art, 6(4), Pages: 118-131. [In Persian]. https://doi.org/10.22034/scart.2024.140550.1447

Mulaee, A. (2021). Obstacles and Challenges in Applying Civil Liability of Government in Iran, Public Law Studies Quarterly, 50(4), Pages 1423-1440. (In Persian).

https://doi.org/10.22059/jplsq.2019.266420.1829

Nahafi Ardabili (Mohaghegh Ardabili), Ahmad ebn Mohammad. (1986). Majma al'faedeh and Al'borhan fi Sharhe Ershad Al'azhan, Volume 14, Qom: Jameehmodarresin Pub. (In Arabic)

Nasrarkan, H., Ozan, M, Molaei, Y. (2019). Study of Distributive Justice in Civil Liability, International Legal Research, 45(3), Pages: 311-337. (In Persian)

https:// sanad. iau. ir/fa/Article/1059623

Karimi, j ., Badini, H ., Abaslou, B. (2023). Distributive Justice in Iranian Civil Rights, The Islamic Revolution Approach, 62(1), Pages: 27-46. (In Persian).

https://www.rahyaftjournal.ir/article_174011.html

Ravaghi Ardabili,S. Almasi,N. MirDadashi,S. (2026). Challenges and Remedies for Full Compensation of Damage Resulting from Reduced Work Capacity, Disability of The Injured Party, and Loss of a Breadwinner Under Iranian Statutory Law and Judicial Precedent / Ph.D Degree , With Thesis Advisor :Almasi ,NejadAli Ph.D , Consulting Advisor Mir Dadashi, S.M Ph.D, Faculty of Humanities , Islamic Azad University of Qom.(In Persian)

Seabury, S. A., Scherer, E., O'Leary, P., Ozonoff, A., & Boden, L. I. (2014). Using linked federal and state data to study the adequacy of workers' compensation benefits. American

Journal of Industrial Medicine, 57(10), 1165–1173. Hoboken, NJ: Wiley Periodicals. [In Enghlish] https://doi.org/10.1002/ajim.22362

Vaezei, S. (2023). The Position of the “Damage” Element in the Civil Liability of the Government, Journal of Legal Studies, 15(2), Pages: 144-171. (In Persian)

https://doi.org/10.22099/jls.2023.43640.4708

Zargosh, M . (2010). Civil Liability of State from Immunity to Responsibility, Journal of Asasi Mag, 12(4), Pages: 42-70. (In Persian).

Zargosh, M. (2011). The Civil Liabibilty of Government, Volume 1. Tehran: Mizan pub. (In Persian)